

دکتر محمد ظروفی

استاد دانشگاه تهران



واژه‌سازی در زبان آلمانی

یکی از راه‌های مهم گسترش گنجینه لغات يك زبان اخذ و اقتباس واژه‌های بیگانه و یا معادل‌سازی برای آنهاست. چنانکه می‌دانیم هیچ زبانی خالی از واژه‌های بیگانه نیست، منتها شماره واژه‌های اخذ و اقتباس شده و نیز میزان تغییری که در آنها پدید آمده، متفاوت است و در زبان آلمانی نیز تعداد اینگونه واژه‌ها بسیار است.

کلمات بیگانه به دو صورت در زبان‌ها دیده می‌شوند:

الف - کلماتی که بهمان صورت اصلی خود در زبانی دیگر بکار برده می‌شوند، یعنی در آنها تغییری داده نمی‌شود؛ در زبان آلمانی شماره این گونه لغات که از زبانهای لاتین و فرانسه گرفته شده‌اند چندان است که گمان نمی‌کنم به آوردن مثال نیازی باشد و در اینجا کافی است که تأثیر مسیحیت بر ژرمنیسم را بیاد بیاوریم که مقدار زیادی از کلمات دینی و کلیسایی را در همان اوایل قرون وسطی وارد زبان آلمانی کرد و یا تأثیر فرهنگ فرانسه بر دربارهای قرون وسطای آلمان را در نظر بگیریم که واژه‌های فرانسوی سیل‌آسا وارد زبان آلمانی شدند.

ب- کلماتی که از لغات بیگانه اقتباس شده‌اند، بدین معنی که در صورت اصلی آنها تغییراتی پیدا شده، بنحوی که با خصوصیات زبانی و صوتی زبان

دیگر هماهنگ گفته است. چنین کلماتی در هر زبانی ۱ بویژه در زبان آلمانی فراوان است و با رجوع به يك فرهنگ لغت‌شناسی آلمانی می‌توان این حقیقت را بهتر دریافت.

راه ورود واژه‌های بیگانه به گنجینه لغات يك زبان علل گوناگون دارد: هنگامی که ملتی به چیزی خواه يك کالای بازرگانی یا کشاورزی و یا يك پدیده فرهنگی و جز آن برمی‌خورد که برایش تازگی دارد، ناگزیر است لفظی را که بر آن چیز یا معنی دلالت کند، عیناً یا با تغییر اندکی بپذیرد؛ بدین طریق بود که واژه‌های بیگانه‌ای مانند **pfeffer** (فلفل)، **Orange** (پرتقال)، **Ananas** (آناناس)، **Kaffee** (قهوه)، **Lione** (شیر) **Atlas** (نقشه جغرافیائی) و غیره که می‌توان فهرست مفصلی از آنها ارائه داد، به زبان آلمانی راه یافتند. و نیز ملتی که از لحاظ فرهنگ در سطحی پایین‌تر قرار دارد، هنگامی که خود را با يك فرهنگ پیشرفته‌تر روبرو می‌بیند، مقدار زیادی از واژه‌هایی را که مربوط به آن فرهنگ است، اخذ و اقتباس می‌کند و یا به ترجمه جزء به جزء آنها دست می‌زند و آنها را وارد زبان ملی خود می‌کند. مسداق این سخن می‌تواند - همچنانکه اشاره شد - تأثیر فرهنگ رم بر اقوام ژرمن و یا تأثیر فرهنگ فرانسه بر دربارهای قرون وسطای آلمان و جز آن باشد.

از این گذشته واژه‌های بیگانه بملت تابعیت و یا همبستگی سیاسی و فرهنگی وارد زبان يك ملت می‌شوند - مانند تأثیر تسلط رمی‌ها بر ژرمن‌ها و یا همبستگی بین آلمان و فرهنگ یونان و رم باستان در دوره‌های گوناگون تاریخ که از این راه تعداد بیشماری واژه‌های بیگانه وارد زبان آلمانی شد. اما تا آنجا که ما به واژه‌سازی برای لغات خارجی در زبان آلمانی برمی‌خوریم اغلب چنین است که معنای واژه بیگانه جزء به جزء ترجمه می‌شود. این چنین شیوه برای واژه‌سازی در زبان آلمانی دارای نقشی بس مهم است. حتی مترجمان دینی دوره قدیم آلان هم بطور کلی این روش را بکار می‌بردند مثلاً واژه آلمانی **Gewissen** یعنی « وجدان » ترجمه واژه لاتین **Conscientia**، و واژه آلمانی **Beichte** یعنی « اعتراف » ترجمه واژه لاتین **Confessio** است (۱).

مقدار بیشماری از واژه‌های آلمانی برای مفاهیم دینی، کشوری و علمی به شیوه مذکور، به ویژه از روی لغات لاتین ساخته شدند. حتی در دوره اخیر و در حال حاضر هم این چنین ترجمه جزء به جزء واژه‌های بیگانه در زبان آلمانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. برای درک بیشتر این مطلب کافی است که نگاهی کوتاه به زبان سیاسی و صنعتی واژه‌های اختصاصی علوم دیگر در زبان آلمانی بیفکنیم.

زبان سیاسی آلمان حاوی تعداد بسیاری کلمات ترجمه شده از زبان انگلیسی است (۲): مانند کلمه آلمانی **Speaker** «گوینده»، صحبت کننده، که از کلمه انگلیسی **Speaker** ترجمه شده است. **Sprecher** اسم فاعل از مصدر فعل **Sprechen** است. و بدینگونه است کلمات و ترکیباتی مانند:

eine Gesetzvorlage lesen «خواندن يك لایحه قانونی»،
to read a bill «خواندن»، از **Lesung** - **reading**
Parlaments mitglied (عضو مجلس) از
member of Parliament

در آغاز سده نوزدهم روش واژه‌سازی بشیوه مذکور در زبان آلمانی متداول شد و بدینگونه کلماتی مانند **ho"rt** و **Ho"rt** «گوش کنید!» گوش کنید! از **hear** و **hear** و یا **Herrenhaus** «مجلس اعیان» از **Haus of Lords** انگلیسی و جز آن ساخته شدند (۳).

اما ترجمه واژه‌های بیگانه به زبان آلمانی آگاهانه توسط اعضای انجمن‌های زبان در سده هفدهم آغاز شد. این انجمن‌ها که برای حفظ و نگاهداری زبان مادری پدید آمده بودند، می‌کوشیدند که زیبایی و اهمیت زبان آلمانی را به مردم شناسانده و واژه‌های بیگانه‌ای که وارد این زبان شده بودند، ترجمه کرده و صورت آلمانی آنها را ارائه دهند (۴). از اینرو در سال ۱۶۱۷ **Martin Opitz** مارتین اپیتس در رساله‌ای از تساهل و بی‌اعتنائی مردم، بویژه نویسندگان و شاعران نسبت به زبان آلمانی پرده برداشت و در سال ۱۶۲۴ در اثر کوچکی بنام «در باره هنر شعر آلمانی» (**Buch von der deutschen Poeterey**) ضمن بحث درباره

شعر آلمانی ، شاعرانی را که در اشعار خود واژه‌های بیگانه بکار می‌بردند نکوهش کرد .

در سال ۱۶۱۷ نخستین انجمن زبان در شهر آلمان بنیان نهاده شد و اندک اندک شماره اینگونه انجمن‌ها فزونی یافت . یکی از شخصیت‌های برجسته این انجمن‌ها فیلیپ فن تسزن Philipp von Zesen بود که با استفاده از برخی لغات منسوخ و مطرود و واژه‌های ابداعی‌اش معادل‌هایی برای بسیاری کلمات بیگانه در زبان آلمانی بدست داد ، لکن تنها تعدادی از آنها به گنجینه لغات آلمانی راه یافتند که امروزه نیز بکار برده می‌شوند .

* * *

در اینجا برای بررسی و مطالعه شیوه واژه‌سازی از روی کلمات بیگانه در زبان آلمانی به چند نمونه ذیل پسنده می‌کنیم .

۱- واژه آلمانی *Rechtshreibung* « درست‌نویسی » از روی واژه یونانی *Orthographie* در سده شانزدهم ساخته شده است .
Orihos به معنای صحیح و درست است ، *graphie* از *graphein* « نوشتن » مشتق شده است . کلمه آلمانی *recht* به معنای درست و صحیح است و *Schreibung* اسم از مصدر فعل *Schreiben* « نوشتن » است (۵) .

۲- واژه لاتین *Vokal* « حرف صدادار » از صفت *vocalis* « صدادار » گرفته شده که کلمه آلمانی *Selbstlaut* از آن روی ساخته شده است .

Laut به معنای « صدا » و *selbst* به معنای « خود » است .
 ۳- واژه *Konsonant* از *Con - sonare* لاتین به معنای « همصدا » یعنی حرفی که با یک حرف صدادار می‌آید گرفته شده و ترجمه جزء به جزء آن به آلمانی *Mitlaut* است .
mit به معنای « با » و *Laut* هم چنانکه در بالا اشاره شد به معنای « صدا » است (۶) .

۴- واژه آلمانی *Tageblatt* « نشریه روزانه » تشکیل شده است از *Tag* به معنای « روز » و *Blatt* به معنای « هر چیز صاف و نازک و صفحه » که از روی واژه فرانسوی *Journal* ساخته شده است که ترکیبی است از *Jour* « روز » و *یک* پسونند . این کلمه به معنای « مربوط به روز » است که از سده پانزدهم

بمعنای «اخبار روزانه» بکار برده شده است. (۷)

۵- واژه لاتین **Kontinent** «قاره» از **Continens** لاتین «خشکی بهم پیوسته» گرفته شده که در سده هفدهم به آلمانی **Festland** ترجمه شده است. این کلمه مرکب تشکیل شده است از **fest** به معنای «سخت قوی، ثابت، غیرمتحرک، غیرمایع و غیرآزاد» و کلمه **Land** بمعنای «زمین زمین قابل کشت و زرع و مزرعه» است (۸).

۶- واژه آلمانی **Rueckfahrkarte** «بلیط دو سر» که ترجمه جزء به جزء واژه فرانسوی **retourbillet** است، تشکیل شده است از **rueck** «برگشت» و **fahr** ریشه فعل **fahren** «حرکت کردن با هر نوع وسیله نقلیه» و کلمه **karte** «یک برگه کاغذ ضخیم» که از سده پانزدهم بمعنای «بلیط» بکار رفته است. (۹)

۷- واژه آلمانی **Oberflaeche** در سده هفدهم از روی واژه لاتین **Superficies** ساخته شده است. **Super** بمعنای «بالایی، روئی»، **ficies** و **ober** بمعنای «سطح و روی» است. در زبان آلمانی **ober** بمعنای بالایی، روئی و **Flache** «سطح» است (۱۰)

۸- واژه آلمانی **Bittsteller** «متقاضی» در سده هیجدهم بعنوان معادل برای واژه **Supplikant** انتخاب شد. **bitt** ریشه فعل **bitten** «خواهش کردن» است و **Steller** اسم فاعل از فعل **Stellen** «قراردادن انجام دادن، درست کردن و منظم کردن» است. (۱۱)

۱- رجوع شود به **Deutsche Wortkunde** ص ۲۸

۲-۳ « به همان کتاب ص ۲۹ و ۱۰۳ و ۱۰۴

۴- « به **Geschichte der deutschen Sprache**

از ص ۸۲ تا ۸۹

۵- « به **Deutsche Wortkunde و Duden** و **Etymologie** ص ۲۹

۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱ « به کتاب اول و دوم صفحه ۲۹ رجوع شود.